متهم به آتش زدن نامزد: مقتول خودش خانه را آتش زده است

3 اردیبهشت 1404

دختر جوانی که به اتهام آتش زدن خانه نامزدش ـ که منجر به مرگ او شده است ـ پای میز محاکمه ایستاد، مدعی شد مقتول خودش خانه را آتش زده است.

کامران علمدهی: پنج سال قبل وقوع یک آتش‌سوزی خانه به آتش‌نشانان شرق تهران اعلام شد. امدادگران پس از خاموش کردن آتش، پیکر مرد جوانی را که دچار سوختگی شده بود بیرون کشیده و به بیمارستان منتقل کردند. اما چند ساعت بعد یکی از آن دو نفر داخل خانه به نام بابک به خاطر شدت سوختگی تسلیم مرگ شد.
با بررسی آتش‌نشانان درباره علت حادثه مشخص شد که آتش گرفتن خانه با بنزین رخ داده از این رو فرضیه آتش‌سوزی عمدی قوت گرفت.
در ادامه پدر و مادر بابک با مراجعه به پلیس از بهاره نامزد بابک شکایت کردند و مدعی شدند که وی به خاطر اختلاف با پسرشان خانه او را به آتش کشیده است.
بعد از اظهارات پدر و مادر قربانی، دوست وی نیز احضار شد و به مأموران گفت: «روزی که خانه بابک آتش گرفت من در خانه‌اش بودم. چند دقیقه قبل از حادثه بهاره با یک گالن بنزین به آنجا آمد. من در حمام بودم که به یکباره با صدای داد و فریاد آنها در حمام را باز کردم و دیدم خانه آتش گرفته است. بلافاصله از حمام بیرون آمدم و به دنبال راه فرار می‌گشتم که دیدم بابک در بالکن ایستاده و نگران بهاره است. من از آپارتمانش خارج شدم. اما بعد فهمیدم که بهاره همزمان با بالا گرفتن شعله‌های آتش از خانه فرار کرده است.»

بازداشت دختر جوان به اتهام قتل عمد

از آنجا که اظهارات پدر و مادر بابک و دوست او فرضیه عمدی بودن حادثه را پررنگ کرده بود، وی به اتهام قتل عمد بازداشت شد اما اتهامش را نپذیرفت.
با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه 2 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای این جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند.
سپس بهاره به جایگاه رفت و گفت: «چند سال پیش در فضای مجازی با بابک آشنا شدم. او به من ابراز علاقه کرد و ارتباط مان به صورت تلفنی و پیامکی بیشتر شد تا این که بابک از ایران رفت و یک سال بعد وقتی برگشت با من تماس گرفت و اظهار کرد که دلتنگ شده و می‌خواهد ارتباط مان را بیشتر کنیم. من هم پذیرفتم و نامزد شدیم. از آنجا که بابک به مصرف مشروبات الکلی اعتیاد داشت و پزشکان هم بارها به او اخطار داده بودند در صورتی که شیوه زندگی‌اش را عوض نکند مشکلات حادی برایش پیش خواهد آمد، من نگرانش بودم و مدام سر همین موضوع با او اختلاف و مشکل داشتم. اما او اصلاً توجهی به حرف‌ها و خواسته‌هایم نمی‌کرد و نه تنها دست از مصرف الکل برنداشت بلکه ابزار تولید آن را هم خریده بود تا خودش تولید و مصرف کند.»

وی افزود: «تا لحظه‌ای که بابک فوت کرد ما اغلب مواقع با هم بحث و جدل داشتیم اما از آنجا که مدام در حالت غیرطبیعی بود دیگر به سلامتی‌اش اهمیتی نمی‌داد تا اینکه متوجه شدم با دختری به نام سمیرا آشنا شده است. آنقدر از کارش ناراحت شدم که ترجیح دادم رابطه‌ام را تمام کنم. به همین خاطر روز حادثه به خانه‌اش رفتم و هر وسیله‌ای که متعلق به خودم بود را برداشتم و رفتم. دو ساعت بعد بابک با من تماس گرفت و اعتراض کرد که چرا با سمیرا تماس گرفتی و رابطه‌ام را با او خراب کرده‌ای؟ تو که می‌خواستی از زندگی‌ام بروی چرا کاری کردی که سمیرا هم با من قطع ارتباط کند و ناراحت شود.»

متهم ادامه داد: «مکالمه آن روز ما بیش از دو ساعت طول کشید و در آخر او من را قانع کرد تا به خانه‌اش بروم و باهم حرف بزنیم. بعد هم گفت چون ماشینم بنزین ندارد یک گالن بنزین بگیر و بیار. من هم گرفتم و وقتی به خانه‌اش رسیدم بنزین را پشت در آپارتمانش گذاشتم و وارد خانه شدم. چند دقیقه بعد بابک دوباره به خاطر سمیرا دعوا را شروع کرد و گفت چرا زندگی‌ام را نابود کردی و بعد با عصبانیت گالن بنزین را برداشت و روی فرش و مبل‌ها پاشید و خانه را آتش زد. من از ترسم خودم را به پنجره اتاق رساندم و از مردم خواستم تا با آتش‌نشانی تماس بگیرند بعد هم از همان جا خودم را نجات دادم.»

در ادامه وکیل اولیای دم گفت: «متهم در بازجویی‌ها مدعی شده بود مقتول بیماری مقاربتی داشته و او را نیز مبتلا کرده است و به نظر می‌رسد او قصد داشته با آتش‌افروزی انتقام بگیرد.»

اما متهم در جواب او گفت: «من نه بیماری گرفتم و نه به بیماری خاصی مبتلا هستم.»

با پایان جلسه دادگاه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.